



گفتار استعمار در چنبره شیرهای آفریقا

جایگاه آفریقا در تحولات سیاسی و فرهنگی دنیای معاصر

گفتگوی دکتر جعفر قناد باشی، تحلیل‌گر مسائل آفریقا

فرهنگ پویا: با تشکر از پذیرشتان جهت این مصاحبه. با توجه به تخصص شما در حوزه آفریقا، در ابتدا می‌خواستیم تحلیل شما را درباره تحولات جهانی بدانیم.

قناد باشی: تحول‌ناهنه‌هایی دارد که نشانه‌های آن را به خوبی به وضوح می‌توان دید و آنچه را که راجع به چرخش جهانی گفته می‌شود باید به عنوان یک واقعیت پذیرفت پیش از این مقام معظم رهبری از وجود پیچ تاریخی به دفعات صحبت کرده بودند و آنجا هم منظورشان از پیچ تاریخی این بود که دنیا دارد در یک مسیر جدیدی قرار می‌گیرد و دنیا از یک مرحله به مرحله دیگری دارد وارد می‌شود. حضرت آقا در سخنرانی اخیرشان به این تحول جهانی به‌طور مشخص تری اشاره کرده‌اند و نشانه‌هایی را نیز ذکر کرده‌اند. نشانه‌هایی مانند مشکلات اقتصادی اروپا و آمریکا، جنگ اوکراین، سرکار آمدن دولتمردانی بسیار ناکارآمد، فرو ریختن جهان دوقطبی و تک‌قطبی ادعایی آمریکا، ظهور و بروز قدرت‌های جدید، رشد افکار عمومی و فهم عدم کارآمدی نظام فکری لیبرالیسم برای اداره جهان و نهادهای بین‌المللی برآمده از این ایدئولوژی، همه و همه نشانگر یک تحول جهانی است.

فرهنگ پویا: حوادثی در آفریقا در حال رخ دادن هست با توجه به اینکه آفریقا نزدیک پانصد سال است مستعمره کشورهای غربی بوده و همین دیروز هم دیدیم که وقتی سفیر فرانسه از یک کشور آفریقایی ناچار به رفتن شد مردم خوشحالی کردند و این نشان دهنده این است که این بیداری که شما فرمودید حتی در سرزمین های آفریقا هم در حال رخ دادن است تحلیل شما از این اتفاق و ماجرا چیست؟

استاد: طی پانصد سالی که شما فرمودید آفریقا مراحل مختلفی را طی کرده مراحل ابتدایی همان مرحله‌ای است که شبیه آن در ایران رخ داده یعنی مرحله‌ای که استعمار در آنجا برای خود ایجاد جاپا کرده و براساس آن در کشورهای آفریقایی نفوذ کرده که در پی آن برای خود ایجاد سلطه کرده. مرحله دوم بعد از جنگ جهانی دوم است. در این مرحله اتفاق خاصی که افتاده اعطای استقلال به کشورهای آفریقایی بود ولی ادامه استعمار اما در قالب نامرئی است که از آن به استعمار نو یاد شد قبل از این کشورهای استعمارگر وزارت مستعمره داشتند فرانسه انگلستان بطور رسمی اینها را مستعمره خودشان می دانستند و برایش مسئول تعیین می کردند و وزارت مستعمرات یا مؤسسات شبیه این آفریقا را اداره می کردند اما بعد از جنگ جهانی دوم اعطای استقلال آغاز شد و در آفریقا کشورها ظاهراً مستقل شدند شاید در مورد فرانسه بسیار آشکار باشد می دانید پول فرانسه فرانک بود و الان هم هنوز که هنوز است چهارده کشور آفریقایی واحد پولشان فرانک سیفاست حال اینکه فرانسوی‌ها الان خودشان یورو را چندین سال است پذیرفتند و فرانک را کنار گذاشتند ولی برخی کشورهای آفریقایی هنوز واحد پولشان به این نام است. قانون اساسی شان را عمدتاً از فرانسه گرفته بودند. بعد از استعمار نو، ما استعمار فرانو را داریم خود همین استعمار فرانو چندین مرحله برایش اتفاق افتاده یعنی در زمان جنگ سرد اینها تلاش می کردند تحت ترس از کمونیست این مستعمرات را برای خودشان نگه دارند یعنی اهرم ترس از کمونیست را بکار بگیرند برای ادامه سلطه و بهانه‌ای برای حضور خودشان در این کشورها یعنی آنها رسالت مقابله با کمونیست را به عنوان پوششی برای باقی ماندن در کشور آفریقایی و ادامه حضور نظامی شان می دانستند با شکست کمونیست این پوشش دیگر کارایی نداشت. لذا کشورهای غربی اقدام به اسلام‌هراسی و داعش‌هراسی می کردند تا حضورشان را در کشورهای آفریقایی توجیه کنند. یعنی از گروه‌های افراطی تکفیری طی پانزده سال اخیر استفاده کردند به عنوان یک خطر مثل کمونیسم به عنوان اهرمی برای باقی ماندن، می گویند ما اگر در آفریقا

هستیم به دلیل برخورد با افراط‌گرایی و گروه‌های خش مسلح است. اما به مرور زمان مردم آگاه شدند. یعنی این حربه آنان دیگر کارساز نیست و اگر با آقای زکراکی برخورد می کنند به این دلیل است که ایشان ماهیت استعماری آنها را برای مردم آفریقا آشکار می کند و پشت صحنه تحرکات این گونه‌ای آنها را برای مردم آشکار می کند لذا الان استعمار دیگر دستش خالی شده یعنی واقعا رسانه‌های آنها توانایی تحریک مردم و اقناع توجیه مردم را ندارند حتی شخصیت‌های آنها دیگر مورد اعتماد نیستند. دیگر لیبرال‌های تربیت شده در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی آنها قدرتی ندارند یعنی اهرم‌های قدرت غرب در آفریقا رنگ باخته‌اند. یکی از این اهرم‌ها همین تکنوکرات‌ها و لیبرال‌هایی بودند که تحصیلات غربی داشتند و یا در کلیساهای دست ساخته اینها در آفریقا تربیت شده بودند و زمام امور بدست اینها بود. الان شعارهایشان رنگی ندارد. لذا آنچه در آفریقا دارد صورت می گیرد دو وجه دارد:

۱- تمام اهرم‌های غرب برای سلطه بر آفریقا پایان یافته. ۲- آگاهی مردم نسبت به ماهیت غرب و رفتارهای پیچیده استعماریش بسیار بالا رفته. و لذا رفتارهای مردمی ضد استعماری بسیار گسترش پیدا کرده.

فرهنگ پویا: با توجه به تجربه کاری تان در آفریقا آیا انقلاب اسلامی بخصوص گفتمان انقلاب اسلامی نقشی در این تحولات دارد؟

استاد: تا آنجایی که ما به افکار عمومی آفریقا دسترسی داریم و تا آنجایی که ما اطلاع داریم تأثیرات انقلاب اسلامی در آنجا بسیار است شاید یکی از آنها که شاید خیلی هم گفته نشده باشد پیروزی حزب‌الله لبنان بر اسرائیل در جنگ سی و سه روزه و بعدش پیروزی حماس در جنگ ۲۲ روزه و ۸ روزه و ۵۱ روزه، این پیروزی‌ها بیش از هر چیزی دیگری بر جهان اسلام قسمت‌های اسلامی آفریقا اثر گذاشته چرا؟ چون اگر ما برگردیم به ادبیات نشریات آنها که در جنگ ۱۹۶۷ که اسرائیل توانست قسمتی از صحرای سینا و قسمتی از جولان را بگیرد قسمتی از کرانه باختری را بگیرد این را به عنوان پایان توان اسلام معرفی کردند و مردم را ناامید کرده بودند و اسرائیل را و غرب را یک قدرت افسانه‌ای معرفی می کردند اما با شکست اسرائیل در مقابل حزب‌الله لبنان و مردم غزه این ناامیدی به امید تبدیل شده است.

از سوی دیگر پیروزی انقلاب اسلامی بر نظام دست‌نشانده پهلوی و خارج شدن ایران از تحت یک حکومت استبدادی و استعماری بر روی مردم آفریقا بسیار اثرگذار بوده است. نکته دیگر حمایت ما از سیاه‌پوستان است مانند

تا آنجایی که ما دسترسی داریم به افکار عمومی آفریقا و تا آنجایی که ما اطلاع داریم تأثیرات حرکات انقلاب اسلامی در آنجا بسیار است. شاید یکی از آن‌ها که شاید خیلی جایی گفته نشده باشد پیروزی حزب الله لبنان بر اسرائیل در جنگ سی و سه روزه و پیروزی حماس است.



اولی که انقلاب در ایران صورت گرفت آنها متوجه شدند که این حرکت می‌تواند برای جوامعی که مسلمان هستند بسیار جذاب باشد چرا که در آفریقا اعتقاداتشان تحت تأثیر فرهنگ غربی قرار نگرفته هرچه اینها کوشیدند تا فرهنگ غربی را در بسیاری از کشورهای آفریقایی رواج دهند نتوانستند هنوز لباس آنها لباس خاص خودشان است هنوز فرهنگشان فرهنگ خاص خودشان است هنوز نماز و روزه و حشاشن برپا است ولذا می‌دانستند که به انقلاب اسلامی تاسی خواهند کرد. لذا سعی کردند ما را بد معرفی کنند ابتدایش همین جنگ ایران و عراق بود که واقعا ما را بد معرفی کردند به‌طور مثال دوستان ما با مردم الجزایر مصاحبه کرده بودند و مردم می‌گفتند شما چرا ضد عرب هستید ما ضد عرب نیستیم ما ضد عرب هستیم ضد عرب هم آنجا به معنی ضد اسلام است شما چرا ضد اسلام هستید بعد از آن رسالت سفارت

حمایت ما از ماندلا در آفریقای جنوبی در مقابل نظام آپارتاید آنجا، این مسئله نیز بر اذهان مردم آفریقا بسیار اثر گذاشته است. یعنی ما در حوزه‌های مختلف اثر گذار بوده‌ایم. مخصوصاً در ایام حج، بدلیل دسترسی ما به نخبگان این کشورها در این موسوم، بخصوص که حضرت امام و مقام معظم رهبری نگاه ویژه‌ای به این ایام داشته و دارند و این تلاش‌ها میوه‌هایی داده است که نتایج آن کم‌کم ظاهر می‌شود.

فرهنگ پویا: شما اشاره کردید به ایام حج و موضوع وحدت مسلمین، در این بخش می‌خواهیم بدانیم دشمن برای از بین بردن وحدت و امنیت جامعه اسلامی در آنجا، چه کارهایی کرده و می‌کند.
استاد: در قضیه وحدت آنها تلاش کردند که ما را بد معرفی کنند از روز



عربستان شد مبارزه با ایران. زمانی سفارتخانه های عربستان صندوق پولی بود برای مبارزه با کمونیسیم تغییر کاربری داد برای بد معرفی کردن ایران هر جا ما دفتری در آفریقا داشتیم یا تبلیغات می کردیم کنارش به فعالیت رسانه ای شروع کردند ما را متهم می کردند به اسلام انحرافی و بعد ما را تحریم اقتصادی کردند و این مانع ارتباطات تجاری ما با آفریقا می شود، می دانید که بر اثر ارتباطات تجاری ارتباطات فرهنگی نیز ایجاد می شود.

این تحریم ها باعث می شود که ما داخل آن کشورها نرویم و این خیلی اهمیت دارد ولذا شناخت نسبت به یکدیگر ایجاد نمی شود. وحدت زمانی ایجاد می شود که نسبت به هم شناخت داشته باشیم.

یکی از کارهایی که دنیای غرب در جهان اسلام کرده این بود که ارتش های کشور اسلامی را نابود کرد لیبی رژیم بدی بود ولی به معنی این نبود که توان نظامیش را بعد از اختلاف کاملا به صفر برسانند و این کار را کردند ارتش مصر را تجزیه کردند کوچک کردند ارتشش را منحل کردند. در واقع از میان رفتن قدرت دفاعی و کشورهای اسلامی الان هم همین است نمی گذارند یک قدرت دفاعی بسیار قابلی در کشورها ایجاد شود به طور مثال در مورد نیجریه که بزرگترین ارتش های کشورهای آفریقایی را داشت ولکن در این چند سال گذشته ارتش نیجریه را تضعیف کردند این حرف منی به این معنی نیست که رژیم نیجریه کاملا اسلامی است به معنی این است که این قابلیت را دارد که با تغییر رژیم نیجریه بتواند یک ارتش اسلامی قوی و توانمندی وجود داشته باشد. ولی آنها اقدام به تضعیف این ارتش ها و قدرت نظامی کشورهای آفریقایی کردند.

لذا وحدت جهان اسلام و براساس آن شکل گیری حرکت جمعی مقابله با استعمار و نظام سلطه که یقیناً برای جامعه اسلامی و کشورهای تحت ظلم ایجاد قدرت و امنیت می کند لذا نظام سلطه می خواهد مانع آن شود و از آنجا که وحدت و امنیت دو عنصر مهم در شکل گیری این تحول جهانی هستند آنها به دنبال تضعیف این دو عنصر مهم در جهان اسلام هستند.

جنگ ایران و عراق بیش از هر چیزی، ارتباط ما را با آفریقا عقب انداخت. بعد از این جنگ هشت ساله که تمام شد و غبارها فرو نشست ما احتیاج به یک حرکت هایی داشتیم که بتواند قیام ما را برساند. حزب الله لبنان چنین کاری را کرد. اصلا یکی از دلایل این بیداری اسلامی در تونس، این بود که آن ها به قول فرمایش رهبری احساس حقارت کردند، تصور می کردند که قهرمان مبارزه با اسرائیل هستند، دیدند نه آن ها نیستند!

